

## کارآفرینی جدی ترین راهکار توسعه پایدار اقتصادی

نویسندگان: دکتر سید احمد حسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد [sa\\_hosseini951@yahoo.com](mailto:sa_hosseini951@yahoo.com)

سجاد حبیبیان «نویسنده مسئول»

کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه شاهد [sajad1400@gmail.com](mailto:sajad1400@gmail.com)

معصومه جانعلی زاده چوبستی

کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه پیام نور، [janalizadeh9246@yahoo.com](mailto:janalizadeh9246@yahoo.com)

علی اصغر آمده

کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، [ali82111amadeh@gmail.com](mailto:ali82111amadeh@gmail.com)

### چکیده

مسیر توسعه پایدار ملی در ایران، در چارچوب «سند چشم انداز توسعه در افق ۱۴۰۴» طراحی و سیاست های کلی آن به بخش های مختلف ابلاغ گردیده است که یکی از مهم ترین این سیاست ها در این زمینه، توسعه کارآفرینی است. توسعه کارآفرینی موتور توسعه اقتصادی است که بدون آن هیچ کشوری نمیتواند به توسعه اقتصادی دست یابد. در واقع دستیابی به آرمان های توسعه پایدار کشور تنها از طریق اجرای راهبرد توسعه کارآفرینی امکان پذیر است. از این رو در این مقاله به بررسی نقش کارآفرینی در توسعه پایدار اقتصادی پرداخته و آثاری که کارآفرینی بر توسعه اقتصادی دارد بیان شده است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، توسعه اقتصادی، توسعه پایدار، نقش کارآفرینی در توسعه پایدار

## مقدمه

از آنجایی که در دنیای در حال تحول و پیشرفت امروز کامیابی از آن جوامع و سازمانهایی است که بین منابع کمیاب، قابلیت های مدیریت، استعدادها و توانایی های نیروی انسانی و کارآفرینی منابع انسانی خود رابطه معناداری برقرار نمایند (پورکاظمی و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۲) و همانطور که تولد و مرگ سازمانها به بینش، بصیرت و توانایی های موسسین بستگی دارد، رشد و بقای آنها نیز به عواملی نظیر توانایی، خلاقیت و نوآوری منابع انسانی آنها وابسته است. امروزه سازمان ها دیگر نمی توانند با تعداد اندکی افراد خلاق و کارآفرین و با اجرای چند طرح کارآفرینانه به رقابای چابک، منعطف، نوآور، فرصت گرا و کم هزینه خود فائق آیند. این سازمانها باید شرایطی را فراهم کنند تا همه کارکنان از چنین روحیه کارآفرینانه ای بهره مند شده و بتوانند به راحتی و به طور فردی یا گروهی، فعالیت های کارآفرینانه خود را به اجرا در آورند. سازمانهای کارآمد و موفق سازمانهایی هستند که کارآفرینی را به عنوان جزء تفکیک ناپذیری از ویژگیها و خصایص خود دانسته و در جهت تقویت روحیه کارآفرینی سازمانی، از هیچ کوششی فرو گذار نباشند. در جهان امروز تفکر نوآوری، کارآفرینی و استفاده از آن در سازمانها امری اجتناب ناپذیر است (تقی زاده، ۱۳۸۶: ۲). لذا «جان تامسون» معتقد است که رفتار کارآفرینانه نیازی فراگیر و ضروری برای تمامی سازمان ها (دولتی، خصوصی، داوطلبانه و غیره) با هر اندازه (متوسط و کوچک) می باشد. در برخی کشورها ساختار دهی مجدد در سازمان های دولتی به منظور بهبود در کارایی این سازمان ها از طریق کمک به حذف موانع سازمانی صورت گرفته است و در برخی کشورهای دیگر شیوه های مختلف خصوصی سازی دنبال می شود. صاحب نظران بر این باورند که اصلاحات سازمانی و خصوصی سازی نمی توانند بدون کارآفرینی موفق باشند، و فرض اساسی این است که سازمان ها در سراسر جهان برای ادامه حیات خود، باید رفتارهای کارآفرینانه را گسترش دهند (مقیمی، ۱۳۸۳: ۵-۶).

در حال حاضر، کارآفرینی نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی است (گرین و دیگران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۳۵۷)، و در حال حاضر آخرین مدلی است که به عنوان عامل توسعه و بویژه توسعه پایدار در دنیا مطرح است؛ زیرا می تواند باعث رشد و توسعه اقتصادی کشورها، افزایش بهره وری، ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی شود (احمد پور و دیگران، ۱۳۸۳) و کارآفرین مستقل کسی است که خوداشتغالی و دیگر اشتغالی ایجاد کند، ارزش افزوده ایجاد کند، محصولات یا خدمات جدید به وجود آورد، خلاقیت و نوآوری کاربردی داشته باشد، با خطرپذیری، فعالیت های تولیدی و اقتصادی انجام دهد، نیازها را شناسایی و آنها را برآورده سازد، فرصت ها را به دست آورد ها تبدیل کند، منابع و امکانات را به سوی هدف هدایت کند، برای تقاضاهای بالقوه محصول بیافریند (پیش بینی در عرضه و تقاضا)، ایده خلاق را به ثروت تبدیل کند (اکبری، ۱۳۸۵).

مطالعه در ادبیات کارآفرینی نشان می دهد که در ابتدا کارآفرینی در عرصه اقتصادی و به عنوان موتور توسعه اقتصادی معرفی گردیده است (OECD, 2009). همچنان که کارآفرینی اقتصادی در حوزه کسب و کار نقش کلیدی و محوری خود را ایفا می کرد به مرور وارد سایر حوزه ها شد و واژگان جدیدی به تدریج وارد ادبیات کارآفرینی شدند. در واقع کارآفرینی نیز از تغییرات ایجاد شده در تفکر توسعه، جدا نماند و الگوی توسعه پایدار، کارآفرینی را نیز تحت الشعاع خود قرار داد (هال و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). لذا انجام این تحقیق می تواند میزان تاثیرگذاری کارآفرینی و موارد مشابه آن بر توسعه پایدار را مشخص سازد.

## سیر تکامل مفهوم کارآفرینی

<sup>۱</sup> Hall et al.<sup>۲</sup> Echols Ann & Neck christopher<sup>۳</sup> Hisrich & Peters

واژه کارآفرینی واژه‌ای نو است، که از کلمه‌اش نمی‌توان به مفهوم واقعی آن پی برد. کارآفرینی می‌تواند به عنوان روش-های کسب و کاری تعریف شود که با رشد و ترقی مرتبط است، بیشتر کنش گرایانه است تا واکنش پذیر، مشتری مدار است، و مخاطره‌های یک شرکت جدید را می‌پذیرد. روش عمده‌ای که در یک دنیای کسب و کار و تجارت شخص کارآفرین را از سایرین متفاوت می‌کند استفاده از فرصت‌ها و پویایی‌های یک سازمان است (کردنائیج و همکاران، ۱۳۸۶: ۶). به طور کلی می‌توان پنج دسته دگرگونی را در مفهوم کارآفرینی از آغاز تا به حال متمایز نمود.

### دوره اول: ۱۵ و ۱۶ میلادی: "مردان عهده‌دار پروژه‌های بزرگ"

نخستین تعاریف کارآفرینی در این دوره ارایه شد. این دوره همزمان با دوره قدرتمندی ملاکان و حکومت‌های فتودالی در اروپاست. کارآفرین در این دوره کسی است که مسئولیت اجرای یک پروژه بزرگ را به عهده می‌گیرد، البته در این راه هیچ خطری را نمی‌پذیرد زیرا عموماً منابع توسط حکومت محلی تامین می‌شود و کارآفرین تنها پروژه را مدیریت می‌کند. نمونه بارز کارآفرین در این دوره معماران مسئول ساخت کلیساها، قلعه‌ها و تاسیسات نظامی هستند.

### دوره دوم: قرن ۱۷ میلادی

هم زمان با شروع انقلاب صنعتی "مخاطره پذیری" به کارآفرینی بعد جدیدی اضافه کرد. کانیلون یکی از نخستین محققان این رشته، کارآفرینی را اینگونه تعریف می‌کند: کارآفرین کسی است که منابع را با قیمت مشخص می‌خرد، روی آن فرآیندی را انجام می‌دهد و آن را با قیمت نامشخص و تضمین نشده می‌فروشد، از این جهت او فردی مخاطره‌پذیر است. کارآفرین در این دوره شامل کسانی نظیر بازرگانان و صنعتگران و دیگر مالکان فردی است.

### دوره سوم: قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی و اوایل قرن بیستم: «تمایز کارآفرینان از دیگر بازیگران صحنه اقتصاد»

در این دوره ابتدا کارآفرین از تامین کننده سرمایه متمایز می‌شود یعنی کسی که خطر می‌کند با کسی که سرمایه را تامین می‌کند متفاوت است. ادیسون کارآفرین این دوره بود، که پایه گذار فناوری‌های جدید شناخته می‌شود. او سرمایه مورد نیاز فعالیت‌های خود را از طریق اخذ وام از سرمایه‌گذاران فردی تامین می‌کرد. همچنین در این دوره میان کارآفرینان و مدیران کسب و کار نیز تفاوت وجود دارد. کسی که سود حاصل از سرمایه را دریافت می‌کند با شخصی که سود حاصل از توانمندی‌های مدیریتی را دریافت می‌کند تفاوت دارد.

### دوره چهارم: دهه‌های میان قرن بیستم میلادی: «نوآوری»

مفهوم نوآوری در این دوره به یک جزء اصلی تعریف کارآفرینی تبدیل می‌شود. در تعاریف برآمده از این دوره می‌توان موارد زیر را نام برد:

کارآفرین نوآور و توسعه دهنده فناوری‌هایی است که تا به حال به کار گرفته نشده است. کارآفرینان یک کسب و کار جدید را شروع می‌کنند در حالی که دیگران بر خلاف آنان تغییرات اندکی در محصولات موجود می‌دهند. مفهوم نوآوری می‌تواند شامل هر چیزی باشد از یک محصول جدید و یا حتی ایجاد یک ساختار سازمانی جدید برای انجام امور. اضافه شدن این مفهوم به دلیل افزایش رقابت در بازار محصولات و تلاش برای استفاده از نوآوری برای ایجاد مزیت رقابتی برای کسب و کارهای موجود و بقای آنها است.

### دوره پنجم: دوران معاصر (از ۱۹۸۰ تا کنون): «رویکرد چند جانبه»

در این دوره همزمان با موج جدید ایجاد کسب و کارهای کوچک و رشد اقتصادی و شناخته شدن کارآفرینی به عنوان تسریع کننده این ساز و کار توجه زیادی به این رشته شد. تا این زمان کارآفرینی فقط از دیدگاه محققین اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گرفت ولی در این دوره توجه جامعه شناسان و روانشناسان نیز به این رشته جلب شد. عمده توجه این محققین بر شناخت ویژگی‌های کارآفرینان و علل حرکت فرد به سوی کارآفرینی است. از تعارف شناخته شده‌تر این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «کارآفرینی روند پویایی در جهت افزایش و ایجاد سرمایه است. این کار توسط کسی انجام می‌شود که خطر از دست دادن زمان یا فرصت‌های شغلی دیگر را در جهت ایجاد ارزش برای یک محصول یا خدمت می‌پذیرد».

کارآفرینی فرایند خلق چیزی نو، با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال است (کردنائیج و همکاران، ۱۳۸۶: ۸-۱۰).